مبارزه با مفاسد اقتصادی: اول

نزدیک به ۱۵۰ بار، موضوع مبارزه با مفاسد ، در بیانات رهبری تکرار شده است. برای اینکه «فساد در دستگاه اجرایی مثل این است که ما چندین لوله‌ی قطور آب به استخری وارد می‌کنیم؛ اما استخر پر نمی‌شود؛ این همه تلاش انجام می‌گیرد، درعین‌حال انسان زوایای خالی را مشاهده می‌کند، که بخش عمده‌ای از این، مربوط می‌شود به فساد مالی در سطوح مختلف وجود دارد.»(۱۳۸۳/۰۶/۰۴) اما در راه مبارزه با فساد، چند نکته از نظر رهبر انقلاب مهم است: **اول** آنکه در برخورد با فساد. بعضی‌ها وقتی صحبت از مبارزه با فساد می‌شود، تصوّر می‌کنند که مبارزه با فساد، یک بهانه‌ی سیاسی برای برخورد با این و آن است؛ این غلط است. مبارزه‌ی با فساد، مبارزه‌ی با فساد است! در هر جامعه‌ای اگر نقطه‌ی فاسد، شناسایی، کنترل و قلع‌وقمع شد، فساد متوقّف می‌ماند، والّا رشد پیدا می‌کند... بعضی هم در نقطه‌ی مقابل از آن طرف افراط می‌کنند؛ یعنی وقتی گفته می‌شود «فساد» خیال می‌کنند همه‌جا را فساد گرفته است؛ خیر، این چنین نیست. آنچه که ما را برمی‌انگیزد، وجود فساد، ولو در یک بخش، در یک گوشه و به وسیله‌ی افراد معدودی است.»(۱۳۸۱/۰۱/۰۹)





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 88/ شنبه 13 مرداد ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**اسلام‌آباد-تهران فرصت دولت عمران‌خان**

****

پیروزی نسبی حزب جوان «تحریک انصاف» به رهبری «عمران خان نیازی» در انتخابات پارلمانی و شوراهای 2018، دومین انتقال سیاسی مسالمت‌آمیز در تاریخ 70 ساله «پاکستان» به حساب می‌آید.در این خصوص توجه به نکات زیر اهمیت دارد:1- «دولت» و «ارتش» در پاکستان دو قدرت مهم بوده‌اند. ضلع سوم قدرت در پاکستان «احزاب» هستند و تجربه پاکستان نشان می‌دهد که احزاب خارج از دولت می‌توانند چالش جدی برای دولت به وجود آورند. براین اساس به نظر می‌آید اگر عمران‌خان سیاست‌ورزی کرده و انتخاب دولت پنجاب را با توجه به اختلاف کم پنج تا شش کرسی ایالتی به حزب مسلم لیگ واگذار کند، اداره اسلام‌آباد برای او راحت‌تر خواهد بود. پنجاب آنقدر قدرت دارد که حتی نیمی از آن بتواند، شرایط پایتخت را تحت تأثیر خود قرار دهد.2- سیاست خارجی در پاکستان بیش از آنکه در ساختمان وزارت خارجه پاکستان پخت و پز شود در ستاد مشترک ارتش سامان می‌یابد. ارتش با نگاه امنیت محور خود که مورد قبول مردم نیز بوده است، بایدها و نبایدهای روابط خارجی را تعیین کرده است. به نظر می‌آید پاکستان بیش از دوره‌های پیشین، سیاست فعال‌سازی رابطه با دو کشور چین و ایران را دنبال نماید و این می‌تواند سبب دوری بیشتر پاکستان از آمریکا شود..3- ارتباط با ایران، مهمترین سؤال پیش روی دولت جدید پاکستان است. عمران‌خان پس از پیروزی نسبی در انتخابات از شیعیان و احزاب شیعی- به خصوص مجلس وحدت مسلمین به رهبری علامه راجاناصر- به دلیل حمایت‌هایشان تشکر کرد. پیش از این هم او جدیت خود نسبت به توسعه رابطه با ایران را ابراز کرده بود. فعال‌سازی رابطه با ایران به شاقول «استقلال پاکستان» تبدیل شده است؟ اما با تعجب زیاد باید گفت تهران در مواجهه با این

 انتخابات تاکنون منفعل بوده است. تلفنی بین تهران و اسلام‌آباد به صدا در نیامده، نماینده‌ای برای تبریک به اسلام‌آباد گسیل نشده و حتی سفیر ایران در این روزهای حساس در تهران رحل اقامت دارد! این در حالی است که دربار‌ سعودی نماینده ویژه فرستاد و پیروزی را به عمران‌خان تبریک گفت و به او یادآوری کرد که در انتخابات 2018 از هم‌پیمان قدیمی‌اش حزب مسلم لیگ حمایت نکرده و ترکیه با ارسال پیام تبریک اهمیت این انتخابات برای آنکارا را به مقامات جدید اسلام‌آباد گوشزد کرده است!

**حرف‌‌های دقیق در زمان دقیق**

****

کسانی که طی چند دهه اخیر تحولات حول موضوع ایران را به لحاظ راهبردی رصد کرده‌‌‌‌اند، بخوبی می‌دانند دست زدن به اقدام نظامی علیه ایران از سوی هر کشوری چیزی جز قمار باخت- باخت نیست.مولفه‌‌های قدرت ایران، طی تمام این سال‌ها چنان سطحی از بالندگی و توسعه را تجربه کرده‌‌اند که حالا در متن تحلیل‌‌های راهبردی، حرف زدن از مقایسه قدرت ایران امروز و ایران اواخر دهه 60 هم خنده‌دار می‌نماید. این یعنی وطن در تمام این سال‌ها سربازانی بی‌ادعا، خاموش، فداکار، پرتلاش و گمنام داشته است که بی‌توجه به جابه‌جایی نقش‌ها در عرصه سیاست داخلی، تنها و تنها به سرافرازی این خاک و مردمان آن اندیشیده‌‌‌اند. سرلشکر قاسم سلیمانی بدون شک یکی از آنهاست. حجم قدرت‌آفرینی سلیمانی و نیروهایش از زمانی که در سال 76 فرماندهی نیروی قدس سپاه را بر عهده گرفته تا همین امروز، حیرت‌آور است. مقامات نظامی و امنیتی آمریکا بخوبی می‌دانند مرد شماره یک شکست‌‌های پی در پی آنها در منطقه غرب آسیا کیست و چگونه فکر و عمل می‌کند.سخنان فرمانده سپاه قدس به عنوان چهره‌ای مطلع، متخصص، واقع‌بین، عملیاتی، صادق و فراجناحی، انتقال صحیح و باورپذیر همان چیزی به افکار عمومی کشور است که ما طی تمام این سال‌ها همواره برای مقابله با دشمن به آن نیاز داشته‌‌‌‌‌‌ایم. سخنان وحدت‌بخش مردی که به گفته اسرائیلی‌ها خاورمیانه روی انگشت او می‌چرخد اما چنانکه پیش‌بینی می‌شد با حمله گازانبری چهره‌‌‌هایی مواجه شد که چند سال است به دروغ بر طبل آشتی ملی و وحدت ملی می‌کوبند. برخی چهره‌ها و رسانه‌‌های اصلاح‌طلب پا را از این نیز فراتر گذاشته، به رئیس‌جمهور هم گوشزد کرده‌‌‌‌اند احساسی حرف زدن، نشانه انقلابی بودن نیست! دادن چنین آدرس‌‌های غلطی درباره امنیت کشور از سوی کسانی که پیش از این اقتصاد ایران را با پیروی از نسخه دشمن، نابود کرده‌‌‌‌اند، چیز شگفتی نیست.

**انتقاد از برجام، باعث مشکلات امروزی است**

****

زنجیره‌ای از مسائل و مشکلات، بی‌تدبیری‌های اقتصادی و فشارهای برخی جریان‌های فرصت‌طلب داخلی باعث ایجاد تنش کم‌سابقه‌ای در روند حرکت چرخه اقتصادی کشور شده که تأثیرات آن کاملا ملموس و استرس‌آفرین است. در چنین فضایی، عقل جمعی و منافع ملی ایجاب می‌کند که همه آحاد مردم دست به دست هم داده و دولت را در خروج از این دست‌اندازهای اقتصادی کمک کنند؛ ولی متأسفانه مشاهده می‌شود که برخی رسانه‌ها، تریبون‌ها و اشخاص انتقام‌جو و کسانی که عملا با عملکرد مخرب‌شان در عدم اجرای برجام مسئول ایجاد وضعیت کنونی کشور هستند، علیه دولت و نظام اجرایی کشور دست به کار شده و از یک سو با دادن خوراک تبلیغاتی به دشمن و از سوی دیگر با بازتاب‌دادن به تبلیغات شوم آنان درصدد بهره‌گیری از اوضاع نابسامان فعلی هستند، غافل از آنکه با گل‌آلود‌کردن آب و ایجاد جنگ روانی علیه دولتی که هیچ‌کس مدعی بی‌عیب‌و‌نقص‌بودن آن نیست، اوضاع به نفع آنان تغییر نخواهد کرد که هیچ، بلکه دشمن نیز دقیقا در انتظار عملکرد آنان در قالب اپوزیسیون و زدن برچسب ناکارآمدی به دولت توسط همین جریان‌های داخلی است.

**خلیج‌فارس خانه ماست!**

****

شاید بومیان هزار سال قبل که در نزدیکی آب‌های خلیج‌فارس و در جزایر آن زندگی می‌کردند تصورش را هم نمی‌کردند که تنگه 85‌کیلومتری‌ای که بعدها هرمز نامیده خواهد شد، چند قرن بعد تبدیل شود به یکی از مناطق مهم و آب‌راه‌های کلیدی کره خاکی. آن قدر مهم که مسوولان یک کشور در آن طرف کره خاکی برای تنگه‌ای با عرض کمتر از 100‌کیلومتر برای مسوولان یک کشور دیگر خط و نشان بکشند. بومیان جزایر هرمز و مناطق حومه احتمالاً این را هم تصور نمی‌کردند که چند قرن بعد در مرز و بوم آن‌ها کسانی هم باشند که در برابر تهدید و رجزخوانی غریبه به حرف‌های شیک و تمیزی روی بیاورند که جز در دانشکده‌های حقوق بین‌الملل، خریدار دیگری روی کره خاکی ندارد. اینکه کسانی باشند ‌در برابر رجزخوانی‌ها و خط و نشان کشیدن‌ها به آشنا توصیه کنند که زنگی مست را «دعوت» به خانه کرده و دوشادوش او از موزه صلح در ضلع شمالی پارک شهر در پایتخت بازدید کنند. تصورش را نمی‌کردند که هنوز 60سال از زخمی که غریبه بر خیابانی که چند صد متر بالاتر از موزه صلح به تن این مرز و بوم زده بود نمی‌گذرد و هنوز خیابان سی‌تیر، بوی زخم کودتا می‌دهد. با همه اینها اما هنوز هستند کسانی که قائلند نه فقط تنگه هرمز که خلیج‌فارس هم خانه آن‌هاست.

اینکه غریبه خوشش نمی‌آید مشکل اوست و این غریبه‌هایند که باید دستِ درازشان را از هرمز و خلیجِ جنوب سرزمین فارس کوتاه کنند که خلیج‌فارس خانه ماست.

**چه کسی مقصر این وضعیت است**

****

انتقادها و اعتراض نمایندگان مجلس گاه بسیار تند می‌شود و حتی با ادبیاتی غیرمتعارف بیان می‌شود. اما سؤال این است که آیا در وضعیت کنونی فقط دولت مقصر است و سایر نهادها ازجمله مجلس در این وضعیت بی‌تقصیر هستند؟ نمی‌توان گفت که قوانین و مقررات مصوب مجلس مشکلی ندارند و هر اشکالی هست در اجراست. بحران ارزی اخیر نیز از این قاعده مستثنا نیست. نمایندگان مجلس گویا فراموش کرده‌اند که همین چند ماه پیش قانونی را مصوب کرده‌اند که در آن قید شده محدودیت واردات با روش‌های غیر‌تعرفه‌ای فقط به استناد ممنوعیت‌های شرعی و ضوابط فنی (استاندارد)‌ مجاز است. (ماده ۲۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های دائم توسعه). اینک می‌پرسند چرا قهوه‌ساز و بخار‌شوی وارد شده است. باید از آنان پرسید واردات قهوه‌ساز و بخارشوی،‌ آیا خلاف شرع است یا خلاف استاندارد؟ امروز اگر دولت واردات کالایی را ممنوع کند، برخلاف قانون مصوب همین مجلس عمل کرده است. نمایندگان مجلس به درستی نسبت به وضعیت نقدینگی و اثر آن بر بازار دارایی‌ها نگران هستند؛ اما برخی از آنان از یاد برده‌اند که با تبصره‌های گنجانده در بودجه با هدف استمهال معوقات بانکی چگونه زمینه‌ساز فشار به منابع بانکی و افزایش اضافه‌برداشت‌ها شده‌اند. البته دولت و تیم اقتصادی در وضعیت کنونی تقصیر دارند؛ اما به سهم خود، نمی‌توان همه سهم را به گردن یک قوه یا یک نهاد گذاشت. در وضعیت کنونی همه مقصر هستیم، البته با سهم متفاوت...

**قلب دوم تلگرام هنوز در تهران می‌تپد!**

****

تلگرام طلایی و هاتگرام دو نرم افزار بر بستر تلگرام هستند که وزارت ارتباطات برای طی شدن دوره گذار انتقال از تلگرام به پیام‌رسان‌های داخلی، با در اختیار گذاشتن 200 سرور این دو را همراهی می‌کند.وزارت ارتباطات می‌داند که فدا کردن امنیت ملی و ایجاد هزینه برای دستگاه‌های انتظامی و امنیتی اطلاعاتی به علت آماده باش برای شناسایی محرکین به آشوب و اغتشاش، ارزش بالاتری در برابر 35 هزار شغل تلگرامی ندارد. چندین ماژول جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات در تل طلایی وجود دارد که با بررسی‌ها می‌توان آن‌ها را بررسی کرد. از مجموع اظهارات مسئولین و بررسی در تأخیر برای سر و سامان دادن به این دو پیام رسان، سؤال این است که براستی ماموریت این دو پیام رسان چیست؟ آیا تلگرام طلایی و هاتگرام باید تا اتمام ماموریت سرپا بمانند؟ در حال حاضر قطار انقلاب اسلامی گرفتار آن دسته از مسئولانی

 شده که بدترین زمان را برای چالش kiki انتخاب کرده‌اند. اقدام برای حذف این دو پیام رسان از بستر تلگرام، به عنوان بستر رد و بدل محتوای مجرمانه، در حالی با تأخیر روبه‌روست که چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی و عزم مواجهه با این پدیده، تمام اهل نفاق را سر خط آورده است؛ از پهلوی و سعودی تا گوگوش و سیاوش.

**شروط نشدنی مقتدی**

****

دو ماه بعد از انتخابات عراق، این کشور همچنان بدون دولت مانده است. همزمان با بالا‌گرفتن اعتراضات مردمی به فساد، بیکاری و کمبود شدید خدمات شهری، جریان صدر که پیروز انتخابات سراسری این کشور بود، هنوز در یافتن شریک ائتلافی خود برای تشکیل دولت ناکام مانده است. مقتدی صدر، 10 شرط برای نخست وزیر آینده تعیین کرده است:مستقل بودن، پارلمانی نبودن، تابعیت دوگانه نداشتن، شفاف و پاک دست بودن، تعهد به عدم قدرت طلبی و نامزد نشدن برای انتخابات آینده و... از جمله این شرط هاست.این شروط «فعلا» به معنای تأیید نشدن نخست وزیری مجدد العبادی توسط صدر است زیرا هیچ یک از آن ها در شخص العبادی موجود نیست. شروط صدر پس از مخالفت تلویحی مرجعیت نجف در خطبه های جمعه با انتخاب العبادی بیان و کار العبادی برای تصدی این پست بسیار سخت می شود.

